

## رابطه مصارف نظامی و گسترش ناامنی

محمد رضا هویدا

بیشترین توجه برنامه ریزان دولت افغانستان به مسایل امنیتی بوده است، بودجه ملی افغانستان، همیشه به بخش امنیت، توجه ویژه ای داشته است. معمولاً حدود شصت درصد بودجه ملی افغانستان به بخش امنیت اختصاص دارد. اختصاص این حجم بزرگ از بودجه ملی به مسایل امنیتی کشور، در قدم اول، این مسئله را می رساند که برنامه ریزان و برنامه سازان دولت افغانستان، به بعد فزینی امنیت توجه دارند. توجه به بعد فزینی امنیت بدین معنا است که آنها، جنگ را در میدان جنگ خلاصه می کنند و به خرید ابزارها و ادوات جنگی و مصرف پول برای ایجاد جنگ فزینی.

پرداختن به امنیت بدین گونه، تا حدودی برمی گردد به این مفکوره که همه چیز را به صورت فزینی و قابل لمس باید دید. در حالی که جنگ را نمی توان به میدان و جبهه جنگ خلاصه کرد. نبردی که در میدان جنگ جریان دارد، در حقیقت نتیجه عملکردی است که در میدان سیاست و اجتماع و فرهنگ جریان داشته است و به صورت جنگ نمود یافته است. به صورت واضح می توان به جنگی که امروزه در جریان است، اشاره کرد. جنگی که امروزه جریان دارد، و هزینه گزافی برای آن پرداخت می شود، نتیجه سیاست های دولت های گذشته و اکنون است. سیاست های دولت های گذشته و اکنون طالبانی را که یک گروه شکست خورده و منزوی و فراری و مطرود بودند را به یک گروه قوی، سازماندهی شده، با روحیه بالا تبدیل کرده است که سالها در مقابل تمامی کشورهای حاضر در جنگ علیه ترویج در افغانستان جنگیده است، و حالا نیز برای سقوط دولت قانوتی و منتخب افغانستان که حمایت جامعه جهانی را دارد، می جنگد.

سیاست های ناکار آمد چه در عرصه فرهنگ و اجتماع و چه در عرصه اقتصاد و تجارت و چه در عرصه خدمات، از دولت مورد حمایت جامعه جهانی، یک دولت ضعیف، متکی به کمک های جهانی، فاسد، بی ظرفیت، گرفتار در تعصبات و قوم گرایی و سمت گرایی ساخته است، و از طالبان منفور جامعه جهانی، گروهی قوی و منسجم که می توانند ولایت ها و ولسوالی کشور را حتا در نزدیکی کابل تهدید به سقوط کنند.

پرداختن به ایجاد فزینی جنگ، و صرف هزینه ها برای جنگ فزینی خود تشدید کننده جنگ است و مصارف دیگری را بیشتر می سازد. استخدام سرباز در صفوف جنگ و خریدن تجهیزات نظامی، و وارد کردن مهمات و اسلحه و ساختن قرارگاه و سنگر برای اردو و پولیس و افزایش شمار هساکر در حالی که با فکر افراط گرایی و تعصب و خشونت مبارزه نشود، راه به جایی نخواهد برد و جز اتلاف سرمایه و پول نتیجه ای در بر نخواهد داشت.

دولتی که نتواند برای مردم خود زمینه کار و اشتغال را بسازد، دولتی که نتواند برای متعلمین خود فکر و ایده تولید کند، دولتی که نتواند فساد اداری را از ادارات خود دور کند، دولتی که نتواند تعصبات را از مسئولین و دولتمردان خود دور سازد، در میدان جنگ نمی تواند پیروز شود. جنگ بیشتر خواهد شد و پیروزی برای دولت هرگز به ارمغان نخواهد آمد. این دولت قبل از هر چیزی باید فرهنگ جامعه را درست کند، کار ایجاد کند، امنیت شغلی و امنیت اجتماعی ایجاد کند، فساد را ریشه کند بسازد، با تعصب و تبعیض مبارزه نماید.

می توان نتیجه گرفت که بالا رفتن مصارف نظامی دولت افغانستان، حد اقل در یک بعد حکایت از بی توجهی و یا ناتوانی دولت در توجه به دیگر عرصه هایی است که می توانند جنگ را کاهش دهند و یا به حد اقل برسانند. دولت باید به بخش های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی توجه بیشتری نماید. تا بتواند با ساخت فرهنگ و اقتصاد از تشدید جنگ و ناامنی جلوگیری نماید.

رویدادهای اخیر کشور بار دیگر شکنندگی وضعیت کلی کشور و نظام سیاسی را آشکار ساخت. هم چنین این رویدادها نشان داد که ما در چه شرایط سخت و تعیین کننده ای قرار گرفته ایم. دست های بیرونی و عوامل داخلی، زمینه ها و بسترهای تهدید را کاملاً هویدا گردانید. اگر اندک تأمل بخروج دهیم از همان نقطه های تهدید و خطر راه های بیرون رفت نیز آشکار می گردد. بدون شک در این میان هزاران عامل و زمینه های گوناگون را می توان فهرست نمود. از دخالت های بیرونی و جنگ استخباراتی تا فساد اداری و معامله گری مقام های بالا و پایین در موفق های اداری و امنیتی و ... ولی در این میان یک نکته بسیار کلیدی و اساسی نیز مشخص گردید. این نکته کلیدی در واقع رسیدن و پاییدن همه نقطه صوت و ضعف ها را در گرو خود دارد. اگر این نکته کلیدی مشخص گردد، درک گردد و به آن توسل جسته شود بدون شک بر بسیاری از مسایل دیگر و مشکلات موجود غلبه خواهیم یافت. اگر این نکته کلیدی پنهان بماند و یا درک نگردد هر تلاش و کوشش دیگر فقط نقش تسکین دهنده بودن را برای چندروزی خواهد داشت. این نقطه کلیدی «منافع ملی» است.

منافع ملی هدف اصلی همه کشورهای در سیاست خارجی و تحکیم آن ها در عرصه داخلی می باشد. اندک مروری و مطالعه گذرا بر چگونگی سیاست گذاری و تعامل های داخلی و خارجی کشورها و دولت ها نشان از آن دارد که هدف نهایی همه سیاست گذاری ها و فعالیت ها در راستای تأمین و تحقق منافع ملی کشور است. اما به میزانی که این اصطلاح جایز اهمیت بوده و مورد توجه می باشد در بسیاری از موارد به همان اندازه دارای ابهام و پیچیدگی زیادی است که تعریف و رعایت آن را مشکل می سازد. در یک تعریف ساده و ابتدایی می توان گفت که منافع ملی هدایت کننده اصلی سیاست کشورها می باشد، افزایش قدرت و گسترش آن جهت کسب منافع ملی چراغ راهنمای سیاست خارجی دولت ها است، حکومت ها در پی افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در عرصه داخلی و خارجی می باشند و در این راه به ابزارها و شیوه های متفاوتی متوسل می شوند و در روابط و مناسبات خود با دیگر کشورها

به اشکال گوناگونی رفتار می کنند. بدین منظور کشورها و دولت ها به شیوه های متنوع رفتار سیاسی مانند عدم تعهد، انزوا و بی طرفی، اتحاد و ائتلاف با دیگران برای رسیدن به مقاصد و اهداف ملی دست می زنند تا در شرایط متغیر و سیاسی بین المللی ایفای نقش کنند. ناگفته نباید گذاشت که منافع از دیدگاه گروه های مختلف فکری متفاوت تعریف و توصیف می شود که پرداختن به این بخش از بحث نظری و عملی خارج از فرست و ظرفیت نوشتار کنونی است. اما نکته مهم در این عرصه سیاست کشور ما از چه منظر است؟ اینجا است با توجه به تعریف و توضیح داده شده پیرامون موضوع، اینک « منافع ملی » که تعریف و رعایت آن را مشکل می سازد. در یک تعریف ساده و ابتدایی می توان گفت که منافع ملی هدایت کننده اصلی سیاست کشورها می باشد، افزایش قدرت و گسترش آن جهت کسب منافع ملی چراغ راهنمای سیاست خارجی دولت ها است، حکومت ها در پی افزایش قدرت سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در عرصه داخلی و خارجی می باشند و در این راه به ابزارها و شیوه های متفاوتی متوسل می شوند و در روابط و مناسبات خود با دیگر کشورها

عبدالله هروی

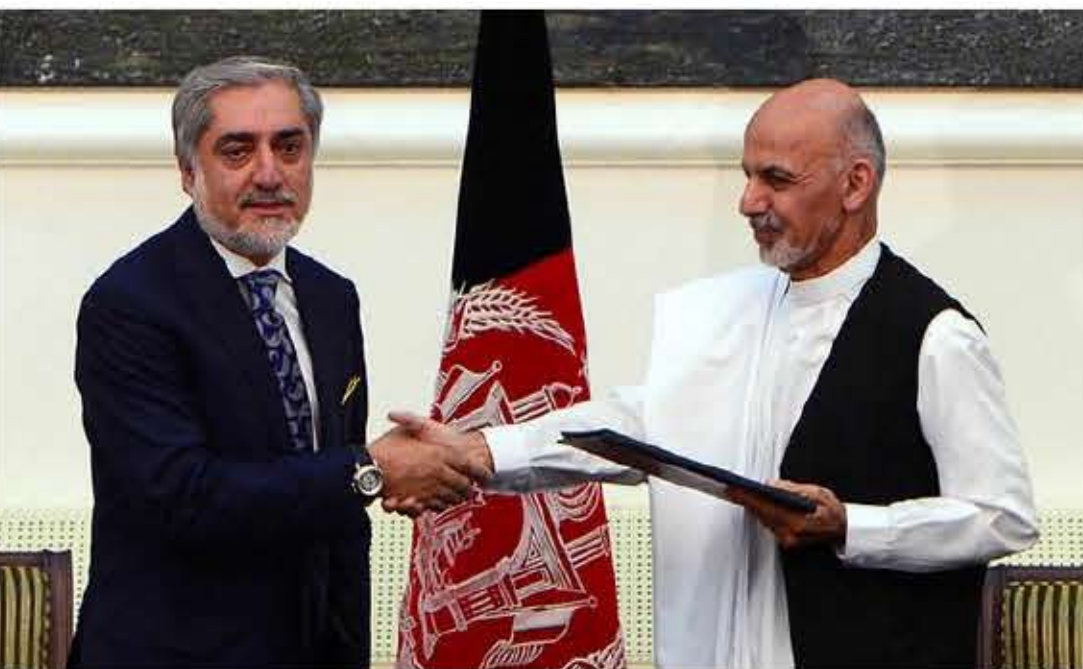


در بسیاری موارد به نفع دشمنان بیرونی و مخالفین برانداز داخلی تمام شده است، اگر این ایده را بخواهیم مصادیقی تر بیان نماییم این خواهد بود که پس از اعلام حکومت وحدت ملی اعتراض ها و نگرانی ها و ناراضیاتی های بسیاری که در عرصه سیاست و اداره کشور نمایان گردید چه توجیهی دارد؟ پوشیده نیست اعلام موافقی که در ارتباط با مسایل یاد شده صورت گرفت در مواردی حتا تا مرز تهدید به ناامنی، بگونه ای که دشمنان نظام سیاسی از آن سود می برند، نیز مطرح گردید. چرا چنین است؟ آیا کسانی که چنین تصمیم هایی را اتخاذ می کنند نسبت به پیامدهای آن آگاه هستند؟ آیا کسانی که ناراض هستند و ناراضیاتی خود را با تهدیدهای امنیتی که منافع ملی را به خطر مواجه می سازند، می دانند که زبان کننده نهایی ممکن است خود شان باشد؟ آیا درک نمی کنند که از هم پاشیدگی نظام سیاسی و فرور رفتن کشور در جنگ های داخلی برای هیچ طرفی سودی ندارد و نخواهد داشت؟ و ...

برون داد واقعیت های آشکار و پنهان در سطوح مختلف جامعه و سیاست کشور، مهاجر بودن یا کمرنگ بودن نقش و وحدت ملی را در کشور و در سیاست و جامعه ما تبارز می دهد. در تبیین موضوع همان طور که گفته شد منافع ملی اصطلاح پرخرساری است که دست کم در حوزه سیاست بر سایر مفاهیم چیره است و سایر واژگان و تعبیرات به تبع آن قامت راست می کنند. اما در جامعه ما به رغم کاربرد و افسر این اصطلاح به ویژه پس از مرحله نوین سیاسی و خصوصاً دولت وحدت ملی، متأسفانه بسیاری از کسانی که آن را به کار می برند، دید روشن و تعریف خاصی از آن ندارند. از جانب دیگر اهمیت شکل گیری مفهوم منافع ملی برای مردم ما به دلیل نیاز به همگرایی از جایگاه برجسته ای برخوردار است. زیرا در همه کشورها برای ایجاد ساختاری تحت عنوان منافع ملی، تلاش های فراوان و طراحی های معقولی صورت می گیرد که با مدیریت نخبگان سیاسی و هدایت نیروهای انسانی فرهیخته ممکن می شود. به هر روی بصورت خلاصه می توان گفت،

## فرار از مسؤولیت رهگشا نیست

علی قادری



به این مسئله ندارد. واقعیت این است که کار کرد بد و ضعیف سران حکومت و زد و بند های آن ها بر سر تقسیم قدرت یکی از دلایل آشفتگی وضعیت کنونی است. سران حکومت وحدت ملی باید شجاعت پذیرش خطاهای خود را داشته باشند و حداقل در برابر مردم صادق باشند. تیم کرزی نیز آشفتگی کنونی را کار کرد بد حکومت وحدت ملی و توطئه کشور شور های بیرونی می دانند. ادعای آن ها بر اندازه ای درست است. اما آشفتگی و ناامنی را ریشه در توطئه کشورهای بیرونی دانستن جای تأمل دارد. آن ها بیش از همه آمریکا را مسئول وضعیت کنونی می دانند. واقعیت این است که حکومت بدون حمایت و پشتیبانی نظامی، اقتصادی و سیاسی قادر به دوام و استمرار حاکمیت خود نیست. قطع حمایت به معنی سقوط حکومت و روی کار آمدن دوباره گروه طالبان است. از این گروه سیاست آشتی جوانانه را که پیش بگیرد. اکنون مسلم شده است که پرسوسه مصالحه دیگر جوابگو نیست. در هر جا گروه های تروریستی ناامنی را گسترش می دهد، باید سرکوب و مورد پیگرد قرار بگیرد. برای جلب کمک های غرب و فراهم کردن زمینه برای سرمایه گذاری کار نماید. اما قبل از همه چیز لازم است که در رابطه خود با مردم تجدید نظر نماید. حامد کرزی و تیم همراه او باید حکومت کنونی را حمایت نماید. از مداخله و فشار بر حکومت کنونی دست بکشد. بگذارد حکومت کنونی بدون فشار سیاست ها و برنامه های خود را اجرا نماید. سیاست خارجی خود را تدوین نماید. بیش از یک دهه فرصت در اختیار شما بود، شما کاری را که باید می کردید، کردید. اکنون دیگر دست انداختن، مداخله کردن و فشار وارد نمودن بیش از آن که منجر به بهبود وضعیت کرده، باعث آشفتگی بیشتر جامعه می شود.

و حمایت شخص و تیم همراه او از گروه طالبان می دانند. در این مورد دو نکته وجود دارد. نکته اول این یکی از دلایل گسترش ناامنی سیاست آشتی جوانانه حکومت قبلی می باشد. بدین معنی که حامد کرزی در دور دوم ریاست جمهوری خود سیاست آشتی جوانانه را در قبال گروه طالبان در پیش گرفت. حملات بر گروه طالبان را محدود و مشروط کرد. در بسیار موارد، به نیرو های امنیتی کشور اجازه حمله بر گروه طالبان را از نیرو های امنیتی کشور گرفت. حتی گزارش های منتشر شد که حامد کرزی پایگاه های آموزشی گروه طالبان را با صدور حکمی ممنوع کرده بود. بنابراین، مسئولیت بخش از آشفتگی کنونی به حکومت قبلی بر می گردد. نکته دوم اینکه انداختن تمام ناساماتی ها به گردن حکومت قبلی یک نوع شانه خالی کردن از مسئولیت است. درست است که حکومت وحدت ملی میراث دار آشفتگی از حکومت قبلی است اما، این سوال وجود دارد که حکومت خود در قبال تأمین امنیت و نجات جان و مال سربازان کشور و مردم ملکی چسکار کرده است؟ آیا حکومت وحدت ملی با روی کار آمدن سیاست آشتی جوانانه را در پیش نگرفته بود؟ سران حکومت وحدت ملی پاسخ روشن

با روی کار آمدن حکومت وحدت ملی وضعیت جامعه به صورت عموم آشفته شد. رشد اقتصادی سیر نزولی به خود گرفت و به صورت سرسام آور پایین آمد. سرمایه از کشور خارج شد. ناامنی گسترش یافت. گروه جدید داعش ظهور نمود. فعالیت خود را در ولایت های مختلف آغاز نمود. تعدادی زیادی از شهروندان کشور را ترک نمودند و راهی دیار غربت شدند. در توجیه وضعیت کنونی سه گونه ادبیات شکل گرفته اند. تیم حاکم در صدد آن است تا آشفتگی کنونی را به گردن حکومت قبلی بیاندازد. آشفتگی کنونی را میراث حکومت قبلی می دانند. تیم حامد کرزی، رئیس جمهور قبلی افغانستان آشفتگی وضعیت کنونی را از کار کرد ضعیف حکومت و توطئه کشورهای بیرونی می دانند. در این میان اما، تعدادی از شهروندان کشور که وابسته به هیچ یک از جناح های مذکور نیست، وضعیت کنونی را ناشی از

کارتون روز



بدون شرح

سیاست ورزی قومی حکومت کرزی و اشرف غنی می دانند. نوشتار کنونی در صدد بررسی ادبیات شکل گرفته در باب وضعیت آشفته کنونی است. آیا حکومت کنونی با انداختن مسئولیت به گردن حکومت قبلی از زیر مسئولیت شانه خالی نمی کند؟ آیا شفقت و مدارای حامد کرزی دلیلی بر آشفتگی وضعیت کنونی نیست؟ نقش خارجی ها در این میان چیست؟ تلاش می کنم به این سوال ها پاسخ درخور و توأم با واقعیت های عینی جامعه ارائه گردد. حواله دادن آشفتگی کنونی به دوش حکومت قبلی را برای اولین بار، عبدالله عبدالله رئیس اجرائیه حکومت وحدت ملی مطرح کرد. او در صحبت که در ولایت بدخشان داشت، بیان داشت که نامنی و آشفتگی کنونی میراث حکومت قبلی است. رئیس اجرائیه در کنفرانس خبری خود در روز شنبه دوباره این مسئله را مطرح کرد که نامنی ها نتیجه سیاست آشتی جوانانه حکومت قبلی در قبال گروه طالبان است. اشرف غنی، رئیس جمهور به صورت مستقیم سخن در این مورد به زبان نیاورده است. با این حال، هواداران و رسانه های طرفدار حکومت وحدت ملی بار ها آشفتگی کنونی را نتیجه عملکرد حکومت قبلی

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
- مدیر مسوول: محمد رضا هویدا
- سردبیر: حفیظ الله زکی
- کارپاکتوریست: خالق علی زاده
- دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
- مسوول وب سایت: غلام عباس اصالتی
- آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

منافع ملی عبارت است از هدف های بنیادینی که کشورها و ملت ها و مردم و دولت ها در تحصیل آن در صحنه بین الملل هستند. در نتیجه نخستین وظیفه طراحان و بازیگران سیاست چه در حوزه داخلی و چه در حوزه خارجی آن است که منافع ملی را مشخص نمایند، و آن ها را به ترتیب اهمیت که دارند در زنجیره هدف های سیاست خارجی رده بندی نموده و بر اساس آن عمل نمایند. هر چند درباره حفظ و تأمین منافع ملی گفته شده است که این مفهوم در فرایند زمان ممکن است تغییر نماید، اما در غالب کشورها این منافع و ترتیب آن به صورت زیر پذیرفته شده است: حفظ تمامیت ارضی کشورها و وحدت کشور، و در مواردی نظام سیاسی در اولویت منافع ملی قرار دارد. تمامی هدف های دیگر به تبع آن مشخص می شوند.

بنابراین به رغم تلاش های تاریخی گذشته و برنامه های یک دهه ای اخیر که معطوف به نهادینه کردن ارزش های ملی و منافع ملی و سایر مفاهیم ملی بکار رفته است متأسفانه هنوز این تلاش ها و برنامه ها در ذهن و قاعده جامعه و افسران نهادهای نگردیده است. حتا نخبگان سیاسی و تصمیم گیرنده که ادعاهای گزاف و ارزشی مفاهیم ملی را مطرح نموده و در عقب آن قرار دارند سعی دارند به اهداف سیاسی و اجتماعی و اقتصادی خود از اهم قومیت و سمت گرایی که تهدید کننده هويت و منافع ملی است بصورت ابزاری کار بگیرند. یکی از نمونه های آن در شرایط کنونی که هم طراحان این ساختار سیاسی و هم مخالفان و ناراضیان آن سعی دارند از اهم های قومی و سمتی برای تحکیم موقعیت خویش استفاده نمایند یا ایسده و تفکر ملی را بگوشه انزوا رانده اند. به معنای دیگر آنان تاکنون اگر سخنان از منافع ملی بر زبان رانده اند، چیزی جز منافع قومی و سمتی و در نهایت شخصی را در نظر نداشته اند. بنابراین شرط اساسی عبور از بحران و پایداری و رفاه جامعه ای توسعه یافته و مستحکم و مرقه آشتی که مرز بندی های داخلی و خارجی خود را صادقانه تعریف و بدان تعهد داشته باشیم که مجموع این وابسته ها در مفهوم بلند و وسیع « منافع ملی » نهفته است.

- روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.
- هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده باز گردانده نمی شود.
- مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله یانگرو دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.
- روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.
- www.dailyafghanistan.com
- Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

